

فصلنامه علمی تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

سال پنجم - شماره بیست و یکم - تابستان ۱۴۰۴ - ص ۳۰-۴۶

الگوی جامعه سعادت‌مند اسلامی: واکاوی نظام‌مند شاخص‌های عدالت و معنویت در پرتو نصوص دینی

آزیتا شهبازی^۱

محمد مهدی کریمی نیا^۲

چکیده

تحقق جامعه سعادت‌مند اسلامی از آرمان‌های بنیادین ادیان الهی و به‌ویژه اسلام است؛ جامعه‌ای که در آن، عدالت، معنویت، و رشد انسانی به‌صورت هم‌زمان تحقق یافته و همه‌ی ابعاد حیات فردی و اجتماعی در مسیر قرب الهی سامان می‌گیرد. در متون وحیانی، به‌ویژه قرآن کریم و روایات معصومان (علیهم‌السلام)، جامعه مطلوب نه صرفاً مجموعه‌ای از روابط انسانی، بلکه نظامی الهی - انسانی معرفی شده است که غایت آن، تحقق عبودیت، عدالت اجتماعی و آرامش معنوی است. پژوهش حاضر با هدف تبیین علمی و نظام‌مند شاخص‌های جامعه سعادت‌مند اسلامی و با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه داده‌های کتابخانه‌ای، به تحلیل نصوص قرآنی و روایی پرداخته است. در این تحقیق، پس از تبیین مفهوم جامعه مطلوب، دو مؤلفه‌ی اصلی عدالت و معنویت به‌عنوان ارکان سعادت جمعی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عدالت در نظام اجتماعی اسلام، نه صرفاً به معنای توزیع متوازن منابع مادی، بلکه ناظر به برقراری تعادل وجودی میان انسان و هستی است؛ و معنویت نیز در پرتو ایمان و عمل صالح، روح جامعه را از درون زنده نگاه می‌دارد. از نگاه آیات و روایات، هرگاه ایمان، عدالت و معنویت در جامعه‌ای نهادینه گردد، زمینه‌ی پیشرفت علمی، فرهنگی و اقتصادی نیز به‌طور طبیعی فراهم می‌شود و انسان‌ها در مسیر کمال الهی و آرامش اجتماعی گام برمی‌دارند. در نتیجه، الگوی جامعه سعادت‌مند اسلامی بر مبنای پیوند عدالت و معنویت، الگویی جامع برای سامان‌دهی جامعه‌ی معاصر بر اساس تعالیم وحیانی ارائه می‌دهد.

واژگان کلیدی: جامعه مطلوب، جامعه سعادت‌مند، عدالت اجتماعی، معنویت، ارزش اخلاقی، نصوص دینی.

۱. سطح سه حوزوی (کارشناسی ارشد)، رشته تفسیر و علوم قرآنی، از حوزه علمیه خواران امام خامنه ای (حفظه الله)، شهر

کرمانشاه، استان کرمانشاه، پژوهشگر و فعال فرهنگی، azishahbazi44@gmail.com

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم، نویسنده مسؤول،

kariminia@quran.acir //kariminiya2003@yahoo.com

مقدمه

(تبیین جایگاه انسان و ضرورت اجتماع): از منظر جهان‌بینی توحیدی و فلسفه خلقت، هستی و به‌ویژه انسان، غایتی جز عبودیت و حرکت به سوی کمال (قرب الهی) ندارد. هدف غایی از آفرینش، چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم تصریح فرموده، نه بازیچه‌انگاری و بیهودگی، بلکه رسیدن به مقام معرفت و بندگی است. تحقق این هدف والا، منوط به چگونگی زیستن در بستر اجتماع و تنظیم روابط و تعاملات فردی و جمعی است. زندگی اجتماعی، خود از ضروریات لاینفک حیات بشر است و بدون برقراری پیوندهای نظام‌مند میان افراد، هیچ‌یک از ابعاد زندگی (فردی، علمی، اقتصادی و معنوی) به کمال مطلوب نخواهد رسید. از این منظر، اسلام به‌عنوان یک دین جامع و کامل، صرفاً یک برنامه عبادی نیست؛ بلکه «دینی است در جهت اصلاح و تقویت رابطه اجتماعی و از اجرای اهداف مقدس بهره می‌گیرد»^۱ و یک نظام حیات‌بخش برای دستیابی به حیات طیبه در سطح جامعه ارائه می‌دهد.

(بیان مسئله و خلأ پژوهشی): جامعه مطلوب یا سعادت‌مند اسلامی، جامعه‌ای است که «بر اساس احکام اسلام بنا شده» و «همه اعمال و رفتار [افراد] در رسیدن به هدفی باشد که خداوند هستی را به خاطر آن بنا کرده است». این امر مستلزم آن است که ملاک‌ها و ارزش‌های رفتاری و اخلاقی حاکم بر جامعه، مستقیماً «برگرفته از کتاب مقدس الهی و سیره نبوت و معصومین باشد».

با وجود آن‌که «آیات و روایات فراوانی به جامعه مطلوب پرداخته است» و منابع غنی تفسیری و روایی همچون المیزان فی تفسیر القرآن (طباطبایی، محمدحسین؛ ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۷)، بحار الأنوار (مجلسی، محمد باقر؛ ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۲۰۷) و عدل الهی (مطهری، مرتضی؛ بی‌تا، ص ۴۶) به این موضوع پرداخته‌اند، اما اغلب تحقیقات صورت گرفته، یا به‌صورت جزیره‌ای به یک مؤلفه پرداخته‌اند یا فاقد یک «تحلیل نظام‌مند» و یکپارچه بوده‌اند تا یک «الگوی واحد» از شاخص‌های اساسی ارائه دهند.

(پرسش‌های پژوهش): پرسش اصلی اینجاست که ساختار جامعه مطلوب بر پایه چه خصوصیتی باشد و «بر طبق چه الگویی عمل کند» تا زمینه پیشرفت حقیقی فراهم آید؟ از دیدگاه اسلام، شاخص‌های یک جامعه مطلوب را می‌توان ذیل دو ستون اصلی «عدالت» (نظم اجتماعی و اقتصادی) و «معنویت» (اخلاق و کمال باطنی) تقسیم کرد. عدم تدوین نظام‌مند این شاخص‌ها، منجر به تشتت در سیاست‌گذاری‌های کلان فرهنگی و اجتماعی می‌شود و امکان رسیدن به محیطی «سرشار از عدالت، آرامش و امنیت» که کرامت انسان در آن تأمین می‌شود را تضعیف می‌کند.

(اهداف و روش پژوهش): مقاله حاضر، با هدف پاسخگویی به این خلأ، به دنبال واکاوی نظام‌مند آن دسته از شاخص‌های عدالت و معنویت است که به‌طور مستقیم در نصوص دینی (قرآن و روایات) بر آن‌ها

تأکید شده و نقش محوری در تشکیل «جامعه سعادت‌مند اسلامی» دارند. این پژوهش سعی دارد تا نشان دهد که چگونه تلفیق این دو بُعد (عدالت و معنویت)، به صورت قوی، موجب «تحقق و عینیت» هدف خلقت (تکامل) و بهره‌مندی بندگان از آسایش و رفاه می‌گردد.

(روش پژوهش): برای دستیابی به این هدف، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. ابتدا داده‌های پژوهش به صورت «کتابخانه‌ای» از منابع اصلی و دست اول فقهی، روایی و تفسیری جمع‌آوری گردیده و سپس با رویکرد تحلیل نظام‌مند نصوص، پنج مؤلفه محوری استخراج و ابعاد آن‌ها مورد واکاوی قرار گرفته است.

(ساختار و یافته‌های کلان مقاله): بر اساس یافته‌های تحقیق، الگوی جامعه سعادت‌مند اسلامی بر پنج مؤلفه محوری استوار است که به صورت متقابل، یکدیگر را تقویت می‌کنند: ۱. برقراری عدالت در اجتماع، ۲. پرداخت و دریافت زکات، ۳. صراحت و صداقت در جامعه، ۴. ایثار و از خودگذشتگی و ۵. اتحاد و هماهنگی.

این مؤلفه‌ها، شاکله‌ای را تشکیل می‌دهند که «زمینه‌های پیشرفت علمی، فرهنگی، اقتصادی و صنعتی و از همه مهمتر معنویت و نگرش توحیدی به صورت قوی تحقق و عینیت پیدا می‌کند» و منجر به «اقتدار، عزت اسلامی و امنیت اجتماعی» می‌شود.

۱. برقراری عدالت در جامعه: شاه‌بیت و شالوده اصلی الگوی سعادت‌مندی

عدالت (العدل) نه تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه ستون فقرات تحقق هر جامعه‌ای است که هدف نهایی آن، سعادت ابدی و قرب الهی بندگان باشد. از منظر جهان‌بینی توحیدی، خلقت بر پایه نظم و حکمت استوار است و هرگونه انحراف از این نظم، که در ساحت اجتماعی مصداق ظلم است، به مثابه خروج از دایره رضایت الهی تلقی می‌گردد.

عدالت (عدل)، محوری‌ترین و بنیادی‌ترین شاخص در الگوی جامعه سعادت‌مند اسلامی است. این مؤلفه نه صرفاً یک ارزش اخلاقی، بلکه بنیان هستی‌شناختی، هدف غایی نبوت و اصل ساختار حکومتی در منظومه اندیشه اسلامی محسوب می‌شود. در حقیقت، جامعه مطلوب، اساساً بدون برپایی قسط و عدل، قابل تصور نیست.

قرآن کریم با عبارتی صریح، هدف از ارسال رسل و انزال کتب را اقامه‌ی عدالت در میان مردم معرفی می‌کند. این نشان می‌دهد که عدالت در اسلام، یک هدف ابزاری نیست، بلکه غایت فرادستی است که تمام احکام و دستورات در مسیر آن تنظیم می‌شوند:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ، (حدید، ۵۷: ۲۵)؛

به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به عدالت برخیزند [و آن را برپا دارند]...».

در اندیشه اهل بیت (ع)، نیز عدل به عنوان مهم‌ترین رکن حیات اجتماعی و سیاسی معرفی شده است؛ امام علی (ع) در کلامی مشهور، عدالت را ملاک قوام جامعه می‌دانند:

«الْعَدْلُ أَسَاسٌ بِهٖ قَوَامُ الْعَالَمِ» (تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ ۱۴۱۰ق، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۴)؛

ترجمه: عدالت، شالوده‌ای است که جهان بر آن استوار است.».

این بیان، به وضوح نشان می‌دهد که ساختار و پایداری جامعه سعادت‌مند، وابسته به ریشه محکم عدالت است.

۲-۱. ابعاد و مصادیق جامع عدالت

عدالت در اسلام، مفهومی تک‌بعدی نیست، بلکه تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد و شامل حداقل سه بعد اساسی است:

الف. عدالت قضایی و تشریعی

این بُعد، بر لزوم رعایت بی‌طرفی و انصاف کامل در قضاوت و اجرای قوانین تأکید دارد. اسلام تا آن‌جا بر این امر حساس است که حتی دشمنی با یک گروه را نیز مجوز خروج از عدل نمی‌داند. رعایت عدالت در

این ساحت، امنیت روانی و حقوقی را برای همه آحاد جامعه، فارغ از قومیت و طبقه، تضمین می‌کند.
(رک: طبرسی، فضل بن حسن؛ ۱۳۸۴ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۰۳).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ، (مائده، ۵: ۸)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید. و مبادا دشمنی با گروهی، شما را از عدالت ورزی بازدارد؛ عدالت کنید که آن به تقوا نزدیک‌تر است...».

ب. عدالت اقتصادی و توزیعی

جامعه سعادت‌مند جامعه‌ای نیست که تنها در آن قوانین عادلانه باشند، بلکه جامعه‌ای است که در آن، توزیع منابع و امکانات نیز بر اساس استحقاق و نیاز واقعی صورت گیرد تا فاصله طبقاتی کاهش یابد. این بُعد، به لزوم برخورداری همگان از حداقل رفاه و مبارزه با احتکار و اسراف تأکید دارد. مفهوم زکات که در شاخص بعدی به آن پرداخته خواهد شد، یکی از ابزارهای اصلی اسلام برای تحقق این نوع از عدالت است.

ج. عدالت اجتماعی و رفتاری (وضع الشیء فی موضعه)

این بُعد به معنای قرار دادن هر چیز در جایگاه شایسته خود، شامل شایسته‌سالاری در مناصب، رعایت حقوق متقابل افراد در تعاملات روزمره، و توجه به استحقاق و کرامت انسانی است. امام علی (ع) در تفاوت عدل و جود می‌فرماید:

«عدل، هر چیز را در جای خود قرار می‌دهد». (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷).

۳-۱. نقش حاکمیت در اقامه عدالت

برقراری عدالت، وظیفه صرفاً فردی نیست؛ بلکه نیازمند یک نهاد حاکمیتی عادل است. در نصوص دینی تأکید شده که رهبر و حاکم جامعه، موظف است تمام تلاش خود را برای اجرای عدالت به کار گیرد و از تضییع حقوق مردم، ولو به میزان اندک، برحذر باشد. اجرای این امر در حوزه حقوق مالی، مستلزم آن

است که حاکمیت از هرگونه تصرف غیرصحیح در اموال عمومی (بیت‌المال) دوری گزیند و آن را «در موضع خویش» که خدمت به عموم مردم است، قرار دهد. (رک: مجلسی، محمد باقر؛ ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، ج ۷۷، ص ۲۰۷).

در نتیجه، عدالت نه فقط یک ویژگی، بلکه ملاک مشروعیت و بقاء جامعه اسلامی است و به عنوان اولین شاخص، زیربنای تحقق سایر شاخص‌های معنوی و اخلاقی جامعه سعادت‌مند را فراهم می‌آورد.

۲. پرداخت و دریافت زکات: ستون مالی عدالت و عامل نمو معنوی

زکات (به معنای لغوی رشد، نمو و پاکیزگی)، پس از عدالت، به مثابه‌ی ستون فقرات نظام مالی جامعه سعادت‌مند اسلامی و یکی از پنج رکن اصلی بنای شریعت است. زکات صرفاً یک عمل خیرخواهانه یا یک مالیات دولتی نیست؛ بلکه یک تعهد الهی-اجتماعی است که پیوند ناگسستنی با توحید و نماز دارد. در منظومه فکری اسلام، برقراری عدالت در بعد نظری نیازمند یک سازوکار عملی است و زکات، این سازوکار را در بعد اقتصادی مهیا می‌سازد.

۲-۱. جایگاه فقهی و تلازم زکات با نماز

در بسیاری از آیات قرآن کریم، اقامه نماز (نماد بندگی خدا) همواره با ایتاء زکات (نماد بندگی خلق خدا) همراه شده است. این تلازم نشان‌دهنده آن است که اسلام، معنویت فردی را از مسئولیت اجتماعی جدا نمی‌سازد و کمال ایمان را در گرو انجام هر دو فریضه می‌داند. در واقع، زکات معیاری برای سنجش صداقت مدعیان ایمان است. (رک: طبرسی، فضل بن حسن؛ ۱۳۸۴ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۱۳).

«وَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ» (بقره، ۲: ۴۳)؛

و نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و با رکوع‌کنندگان، رکوع کنید».

از منظر فقهی، زکات حکمی تأسیسی و واجب است که بر اساس قواعد «حفظ نظام»، حاکمیت اسلامی موظف به وصول و مصرف آن است؛ زیرا عدم پرداخت آن، نه تنها یک گناه فردی، بلکه تضییع حقوق محرومان جامعه تلقی می‌شود.

۲-۲. زکات و تحقق عدالت اقتصادی (بعد اجتماعی)

شاخص عدالت که پیش‌تر بدان اشاره شد، در حوزه اقتصاد با فلسفه زکات عینیت پیدا می‌کند. هدف غایی از تشریع زکات، توزیع عادلانه ثروت و جلوگیری از تمرکز آن در دست عده‌ای خاص است. زکات به عنوان یک مکانیسم انتقال ثروت، اطمینان می‌دهد که دارایی‌ها دائماً در جریان بوده و به سوی طبقات نیازمند هدایت شوند. این امر، ریشه فقر را در جامعه می‌خشکاند و فاصله‌ی طبقاتی را کاهش می‌دهد. (طباطبایی، محمدحسین؛ ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۰۷).

«مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر، ۵۹: ۷)؛

آنچه را خدا از [اموال] ساکنان آن قریه‌ها به پیامبرش بازگردانده، از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان [پیامبر] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است تا میان توانگران شما دست به دست نشود...».

این آیه، به صراحت هدف توزیعی و ضد انحصاری زکات را تبیین می‌کند و آن را تبدیل به ابزاری برای تثبیت اصل کفایت و تأمین اجتماعی در جامعه مطلوب اسلامی می‌نماید. هنگامی که حقوق فقرا (که در واقع سهم آنان از مال اغنیا است) پرداخت شود، بستر برای ایجاد فرصت‌های برابر و امنیت اقتصادی عمومی فراهم می‌آید و جامعه به سوی پایداری و ثبات اقتصادی حرکت می‌کند.

۲-۳. زکات و تزکیه نفس (بعد معنوی)

زکات تنها برای تزکیه مال نیست، بلکه برای تزکیه نفس شخص پرداخت‌کننده نیز ضروری است. این فریضه، روح انسان را از رذایلی چون بخل، حرص و دنیاپرستی پاک می‌کند و فضایل اخلاقی مانند جود، سخاوت و مواسات را تقویت می‌نماید. در همین راستا، قرآن به پیامبر (ص) دستور می‌دهد که از اموال

مردم زکات بگیرد تا آن‌ها را پاک کند. (رک: فخر رازی، محمد بن عمر؛ ۱۴۲۰ق، التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۲۲۳).

«خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ...» (توبه، ۹: ۱۰۳)؛

از اموال آنان صدقه‌ای (زکات) بگیر تا به وسیله آن، آنان را پاک سازی و رشد دهی، و [هنگام گرفتن زکات] بر آنان درود فرست، زیرا درود تو برای آنان مایه آرامش است...».

این تزکیه دوطرفه است؛ فرد غنی با پرداخت، از خوی خست پاک می‌شود و فرد فقیر با دریافت، از حسادت و کینه نسبت به اغنیا رها می‌گردد. زکات، در نتیجه، پیوند عاطفی و اخلاقی میان دو طبقه اجتماعی را مستحکم می‌سازد و جامعه را در مسیر نمو و تکامل معنوی قرار می‌دهد.

۴-۲. نقش زکات در اقتدار حاکمیت و تحقق جامعه سعادت‌مند

در سیره معصومین (ع)، زکات به عنوان ابزاری برای تأمین نیازهای عمومی و جلوگیری از تزلزل بنیان‌های اجتماعی مطرح شده است. حضرت فاطمه (س) در خطبه فدکیه، زکات را «تزکیت النفوس و نموّ الأرزاق» (وسيله پاکیزگی نفوس و رشد روزی‌ها) معرفی می‌کند. (رک: مجلسی، محمدباقر؛ ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳). لذا، جامعه‌ای که این رکن را به‌طور کامل و با نظارت یک حاکمیت عادل اجرا می‌کند، در مقابل ناملایمات اقتصادی مقاوم شده و به دلیل استقرار عدالت مالی و تعالی اخلاقی، از سایر جوامع متمایز گشته و به سوی سعادت و کمال حقیقی حرکت می‌کند. زکات نه تنها مالی را کم نمی‌کند، بلکه برکت و رشد آن مال و جامعه را تضمین می‌نماید.

۳. صراحت و صداقت در جامعه: سرمایه اجتماعی و معیار حیات طیبه

شاخص «صداقت» (صدق) که در بستر اجتماعی با «صراحت» و «شفافیت» عینیت می‌یابد، پس از عدالت و زکات، به عنوان سرمایه اجتماعی و معیار بنیادین حیات طیبه، سومین مؤلفه اصلی در جامعه سعادت‌مند اسلامی است. صداقت نه تنها یک ارزش اخلاقی، بلکه یک ضرورت وجودی برای بقا و نمو جامعه است. بدون صداقت، اعتماد متقابل فرو می‌ریزد و نظام تعاملات اقتصادی، قضایی و سیاسی مختل می‌شود.

۱-۳. ماهیت شناسی صداقت (صدق) و دامنه شمول آن

در ادبیات اسلامی، صدق مفهومی بسیار گسترده‌تر از «راستگویی در کلام» دارد و شامل راستگویی در سه حوزه اصلی است:

۱. صدق در گفتار (لسان): مطابقت کلام با واقعیت خارجی و پرهیز از کذب و دروغ.
 ۲. صدق در نیت (قلب): اخلاص در هدف و پاکی از ریا و نفاق در انجام اعمال.
 ۳. صدق در کردار (عمل): مطابقت عمل با ادعای ایمان و تعهدات اخلاقی و فقهی.
- این جامعیت در معنا، موجب شده تا صداقت، نه فقط یک خصیصه فردی، بلکه ستونی برای سلامت ساختار اجتماعی تلقی گردد. صراحت نیز در این چارچوب، به عنوان تجلی عملی و شفاف صداقت در روابط، به معنای پرهیز از ابهام، پنهان‌کاری و دوگانگی است.

۲-۳. فرمان قرآنی به همراهی با صادقین

اهمیت اجتماعی صداقت تا بدانجا است که خداوند متعال در قرآن کریم، مؤمنان را به مصاحبت و همرنگی با صادقین فرمان می‌دهد. این فرمان، نشان‌دهنده لزوم ایجاد یک بستر اجتماعی مبتنی بر راستی است که هرگونه دروغ و نفاق را طرد می‌کند. (رک: طباطبایی، محمدحسین؛ ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۰۴).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه، ۹: ۱۱۹)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید.

دستور به «مع الصادقین بودن»، در واقع، دستوری برای تحقق و حفظ فضای راستی و صداقت در کلیت جامعه است؛ چراکه فرد مؤمن موظف است خود را در محفل کسانی قرار دهد که در گفتار و عملشان صادق هستند و این امر به تدریج کل جامعه را به سوی راستی سوق می‌دهد.

۳-۳. نقش صداقت در تعاملات اقتصادی و اجتماعی

صداقت، مهم‌ترین عامل در استحکام و ثبات معاملات و قراردادهای اقتصادی است. در فقه اسلامی، اصل بر صحت و لزوم معاملات است و این اصل بر پایه صداقت طرفین در اعلام نیت و اوصاف کالا یا خدمات بنا نهاده شده است. اگر صداقت در جامعه جای خود را به تدلیس، دروغ‌گویی یا غش (تقلب) دهد، اصل اعتماد از میان رفته و مبادلات اقتصادی دچار تزلزل می‌شوند.

در مقابل، آثار شوم نبود صداقت، که با پدیده نفاق (دورویی) تبلور می‌یابد، مستقیماً بنیان‌های جامعه مطلوب را تهدید می‌کند. نفاق، موجب تخریب اعتماد عمومی شده و جامعه را به ورطه تفرقه و سوءظن

می‌کشاند. امام باقر (ع) در تبیین علائم نفاق، به سه رفتار محوری اشاره می‌فرماید که دقیقاً ضدِ شاخص صداقت هستند:

«ثَلَاثٌ مِنْ عِلَامَاتِ الْمُنَافِقِ: إِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا وَعَدَ أَخْلَفَ، وَإِذَا أَوْثَمِنَ خَانَ، (رک: کلینی، محمد بن یعقوب؛ ۱۴۰۷ق، الکافی، ج ۲، ص ۲۹۱)؛

سه چیز از علائم منافق است: هرگاه سخن گوید دروغ می‌گوید، هرگاه وعده دهد خلاف می‌کند و هرگاه امانتی به او سپرده شود خیانت می‌کند.»

جامعه‌ای که در آن دروغ، خلف وعده و خیانت در امانت رایج باشد، حتی با وجود قوانین عادلانه، نمی‌تواند به سعادت و ثبات دست یابد.

۳-۴. پیوند صداقت با تقوا و کمال معنوی

صداقت، در حوزه فردی و اخلاقی، راهگشای فرد به سوی تمام نیکی‌ها (بِرٍّ) و تقواست. معصومین (ع) به وضوح بیان داشته‌اند که صدق، نه تنها یک فضیلت است، بلکه کلید ورود به بهشت و زمینه ساز تمام اعمال صالح دیگر است. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّهُ مَعَ الْبِرِّ، وَهُمَا فِي الْجَنَّةِ، (صدوق، محمد بن علی؛ ۱۳۸۳، الخصال، ج ۱، ص ۸۳)؛

بر شما باد به صداقت، که آن با نیکی همراه است، و آن دو در بهشت هستند.»
این پیوند حیاتی نشان می‌دهد که صداقت در جامعه سعادت‌مند اسلامی، یک ضرورت دوگانه است: در بُعد اجتماعی، موجب اعتماد و قوام عدالت و در بُعد معنوی، موجب رشد و تزکیه نفوس و دستیابی به تقوا می‌شود. به همین دلیل است که صراحت و صداقت، یک معیار اصلی برای ارزیابی سلامت فرهنگی و اخلاقی جامعه به شمار می‌رود.

۴. ایثار و از خودگذشتگی: شاخص اعتلای معنوی و اوج کمال اجتماعی

ایثار، به معنای «مقدم داشتن نیاز دیگری بر نیاز خویش»، یکی از عالی‌ترین و پیچیده‌ترین شاخص‌های اخلاقی و معنوی است که جامعه سعادت‌مند اسلامی را از جوامع صرفاً عدالت‌محور متمایز می‌سازد. در حالی که عدالت به معنای «اعطای حق به ذی‌حق» و یک ضرورت اجتماعی است، ایثار فراتر از حق و تکلیف رفته و یک فضیلت داوطلبانه است که نشان‌دهنده اوج تکامل روحی و انسانی افراد جامعه است. جامعه‌ای که اعضای آن، علاوه بر اجرای عدالت، به مرحله ایثار نیز دست یابند، به معنای واقعی کلمه، به «حیات طیبه» و سعادت پایدار رسیده‌اند.

۴-۱. تعریف و جایگاه اخلاقی ایثار

ایثار در لغت از ریشه «أثر» به معنای «برگزیدن» یا «مقدم داشتن» است و در اصطلاح اخلاقی، یعنی صرف‌نظر کردن از منفعت شخصی (مالی، جانی یا معنوی) به سود دیگری، با وجود نیاز و استحقاق خود. این عمل، نشانگر سلامت باطن و رهایی نفس از رذیلت «خودخواهی» و «حب ذات افراطی» است که ریشه بسیاری از مفاسد اقتصادی و اجتماعی است.

۴-۲. ایثار در قرآن کریم: شاخص مؤمنان حقیقی

قرآن کریم با برجسته کردن عمل ایثارگران، این خصیصه را به‌عنوان نشانه‌ای بارز از مؤمنان راستین و به‌ویژه انصار مدینه در برخورد با مهاجرین، معرفی می‌کند. (رک: طبرسی، فضل بن حسن؛ ۱۳۸۴ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۳۷۴).

آیه مشهور سوره حشر، جایگاه بی‌بدیل ایثار را تبیین کرده و آن را ملاک رستگاری می‌داند:

«وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر، ۵۹: ۹)؛

و کسانی که پیش از آنان در آن سرای و ایمان جای گرفتند، کسانی را که به سویشان هجرت کرده‌اند، دوست می‌دارند و در دل‌های خود، نسبت به آنچه به [برادرانشان] داده شده، هیچ حسد و نیازی نمی‌یابند و [دیگران را] بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خودشان سخت نیازمند باشند؛ و کسانی که از بخل و حرص نفس خود نگاه داشته شوند، آنان همان رستگارانند».

این آیه به‌وضوح، ایثار را حتی در شرایط «خَصَاصَةٌ» (نیاز شدید مالی یا جسمی) می‌ستاید و رهایی از «شُحَّ نَفْسِهِ» (بخل و حرص درونی) را شرط لازم برای رستگاری و فلاح معرفی می‌کند. ایثار در این سطح، نشان می‌دهد که فرد به حدی از یقین و توکل رسیده است که جبران نیازهای خود را به عهده خداوند گذاشته و با طیب خاطر، مایحتاج خویش را به دیگری می‌بخشد.

۴-۳. ایثار در سیره معصومین و بُعد عملی آن

سیره عملی معصومین (ع) و به‌ویژه خاندان نبوت، اوج تبلور این شاخص را نشان می‌دهد. ماجرای ایثار حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س) و حسنین (ع) که سه روز متوالی، افطاری خود را به نیازمند (مسکین، یتیم و اسیر) بخشیدند، و نزول آیات سوره دهر (انسان)، یکی از درخشان‌ترین مصادیق ایثار

است. (رک: فخر رازی، محمد بن عمر؛ ۱۴۲۰ق، التفسیر الکبیر، ج ۳۰، ص ۲۵۷).

«و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا، (انسان، ۷۶: ۸)؛

و غذا را با وجود دوست داشتنش، به مسکین و یتیم و اسیر می‌بخشند [و اطعام می‌کنند].»

این نوع ایثار، که ناشی از محبت الهی و «حبّ غذا» است، صرفاً یک انفاق نیست؛ بلکه تقدیم محبوب‌ترین داشته‌ها برای کسب رضایت الهی و رفع نیاز بندگان است. این سیره، الگویی برای جامعه سعادت‌مند است تا بخشش را از سطح «مازاد» به سطح «نیاز» ارتقا دهد.

۴-۴. آثار ایثار در ساختار اجتماعی جامعه مطلوب

حضور عنصر ایثار در کنار عدالت (واجب)، یک جامعه را به سمت همبستگی و انسجام درونی فوق‌العاده‌ای هدایت می‌کند:

۱. تقویت پیوندهای اخوت: ایثار، بالاترین سطح «اخوت ایمانی» را محقق می‌کند و حسّ مشترک

سرنوشت را در جامعه تقویت می‌نماید. افراد، رنج دیگری را رنج خود می‌بینند.

۲. از بین بردن کینه و حسد: در جامعه‌ای که ایثار حاکم است، فقرا نسبت به اغنیا احساس حسادت

نمی‌کنند، زیرا اغنیا در عمل نشان داده‌اند که خود را فدایی رفاه دیگران می‌دانند.

۳. ایجاد امنیت اجتماعی پایدار: ایثار، نوعی «بیمه اجتماعی» را فراهم می‌آورد که در آن، هر فرد

مطمئن است در صورت نیاز، دیگران او را بر خود مقدم خواهند داشت. این امنیت، فراتر از

امنیت قضایی است.

در یک جمع‌بندی، اگرچه عدالت، برپایی جامعه را ممکن می‌سازد و زکات، سلامت اقتصادی آن را

تضمین می‌کند، اما ایثار است که جامعه را به اوج قله‌های معنوی و انسانی می‌رساند. جامعه‌ای که در آن

ایثار، نه به عنوان یک استثنا، بلکه به عنوان یک ارزش غالب و شیوه زندگی مطرح باشد، مصداق بارز

«جامعه سعادت‌مند اسلامی» و مجری واقعی تکمیل اخلاق است.

۵. اتحاد و هماهنگی: زیربنای قوام اجتماعی و عامل اقتدار و بقاء

پس از تبیین مؤلفه‌های بنیادینی چون عدالت (به عنوان شالوده نظام اجتماعی)، زکات (به عنوان

سازوکار اقتصادی) و فضیلت‌های اخلاقی نظیر صداقت و ایثار (به عنوان معیار اعتلای معنوی)، اکنون به

پنجمین و محوری‌ترین شاخص جامعه سعادت‌مند اسلامی، یعنی اتحاد و هماهنگی، می‌پردازیم. اتحاد، نه

تنها یک ویژگی در کنار سایر خصوصیات نیست، بلکه روح جاری و نیروی محرکه جامعه اسلامی است

که قوام و بقای چهار رکن پیشین را تضمین می‌کند. اگر چهار شاخص قبلی، اجزای تشکیل‌دهنده بدنه

جامعه مطلوب باشند، اتحاد و هماهنگی، به منزله نظام عصبی آن است که تمامی اجزا را به صورت یکپارچه و هدفمند به حرکت درمی‌آورد.

۵-۱. جایگاه بنیادین اتحاد در منظومه قرآنی

در آیات متعددی از قرآن کریم، از جمله آیاتی که به امت واحده اشاره دارد، لزوم اتحاد، یک تکلیف الهی و شرط لاینفک دستیابی به رستگاری و عزت معرفی شده است. فرمان به وحدت، یک دستور تشویقی صرف نیست، بلکه یک ساختارشکنی در مقابل انشقاق‌ها و تفرقه‌های جاهلی است. بارزترین آیه در این زمینه، فرمان به اعتصام به حبل‌الله است که رهایی از ذلت و افتراق را به دنبال دارد. (رک: طباطبایی، محمدحسین؛ ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۷۶).

«وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا، (آل عمران، ۳: ۱۰۳)؛

و همگی به ریسمان [محکم] خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید، و نعمت خدا را بر خود به یاد آورید که دشمن یکدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت برقرار کرد، پس به لطف او برادر شدید...».

این آیه، اتحاد را نه یک دستاورد بشری، بلکه «نعمت الهی» معرفی می‌کند که رهایی از دشمنی‌ها و الفت میان قلوب، ثمره مستقیم آن است. این فرمان، فراتر از وحدت سیاسی، بر وحدت قلوب و ایمان تأکید می‌کند که شالوده اصلی هماهنگی در عمل است.

علاوه بر این، قرآن کریم، تفرقه را عامل اصلی فشل (سستی، ناکامی و شکست) و زوال قدرت اجتماعی می‌داند و با لحنی قاطع، از آن نهی می‌کند. (رک: طبرسی، فضل بن حسن؛ ۱۳۸۴ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۴۰).

«وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ، (انفال، ۸: ۴۶)؛

و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که سست و زبون می‌شوید و شوکت [و قدرت] شما از بین می‌رود و صبر پیشه کنید که قطعاً خداوند با صابران است.».

نزاع و تفرقه، به عنوان آفت اصلی جامعه سعادت‌مند معرفی شده و نتیجه مستقیم آن، از دست رفتن «ریح» (شوکت، اقتدار و هیبت) جامعه اسلامی است. بنابراین، اتحاد، نه تنها یک ضرورت اخلاقی، بلکه یک ضرورت راهبردی و بقاء سیاسی-اجتماعی است.

۵-۲. اتحاد در سیره معصومین و بُعد حکومتی

سیره نبوی و معصومین (ع) مملو از تأکید بر همبستگی و پرهیز از تشتت است. امام علی (ع) در نهج البلاغه، اتحاد را عامل رحمت الهی و حبل اتصال می‌دانند. از منظر حکومتی، اتحاد و هماهنگی، شرط لازم برای اجرای احکام الهی است. زمانی که حکومت، عدل را اقامه می‌کند، اگر در میان مردم، اتحاد و تبعیت هماهنگ نباشد، اجرای عدالت دچار اختلال شده و فسخ می‌شود.

هماهنگی در اینجا به معنای هم‌راستا بودن اقدامات تمام نهادها، گروه‌ها و افراد جامعه در جهت اهداف کلان و واحد (نظیر عدالت و کمال) است. جامعه سعادت‌مند، جامعه‌ای است که در آن، تمام مؤلفه‌ها تحت یک فرماندهی واحد و هماهنگ، به صورت سیستمی عمل می‌کنند. اگر مؤمنان صادق باشند، ایشار کنند و زکات بپردازند، اما در عمل و برنامه هماهنگ نباشند، تلاش‌هایشان پراکنده و نتیجه‌بخش نخواهد بود.

۳-۵. ضرورت هماهنگی و اطاعت از ولایت

در بعد هماهنگی، وحدت عملی، نیازمند یک مرجع واحد برای تصمیم‌گیری و مدیریت است. در فقه سیاسی اسلامی، این مرجعیت بر عهده امام یا حاکم عادل (ولی فقیه) است. هدف از «اطاعت از اولی الامر» (نساء، ۴: ۵۹) در قرآن، رسیدن به همین هماهنگی و دوری از تشتت است. اگرچه عدالت برپاست و افراد صادق هستند، اما اگر هرکس بخواهد به تشخیص خود عمل کند، آن تلاش‌ها به دلیل ناهماهنگی از بین می‌روند. لذا، هماهنگی در جامعه سعادت‌مند، مترادف با پذیرش ساختار واحد رهبری برای اطمینان از هم‌جهت بودن حرکت‌هاست.

امام علی (ع) در تبیین ضرورت حکومت و رهبری، به وضوح اشاره می‌کنند که وجود حاکم (حتی اگر ناعادل باشد) بهتر از هرج و مرج و تشتت است؛ چه رسد به حاکم عادل که محور وحدت است:

«وَلَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» (شریف الرضی؛ ۱۴۱۴ق، نهج البلاغه، خطبه ۴۰، ص ۸۱)؛

و مردم ناگزیر به فرماندهی [حکومتی] هستند، خواه نیکوکار باشد یا بدکار...».

این بیان، نشانگر اهمیت «نظم و هماهنگی تحت یک زعامت واحد» است که بدون آن، حتی فضایل اخلاقی نیز به دلیل ناهماهنگی، به نتیجه مطلوب اجتماعی نخواهند رسید.

۴-۵. اتحاد به عنوان ضامن بقاء

در نهایت، شاخص اتحاد و هماهنگی در جامعه سعادت‌مند اسلامی، نه یک فضیلت حاشیه‌ای، بلکه عصاره و ضامن بقاء جامعه است. جامعه‌ای که در آن، عدالت اجرا شود، اموال با زکات پاک گردند،

تعاملات با صداقت همراه باشد و ایثار به جای بخل بنشیند، با تکیه بر وحدت قلوب و هماهنگی اقدامات، به حداکثر کارایی و اقتدار در برابر تهدیدات داخلی و خارجی دست می‌یابد. جامعه سعادت‌مند، جامعه‌ای است که در آن، «يُدُّ اللّٰهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ» محقق شده و این جماعت با چنگ زدن به ریسمان الهی، به برادری و عزت جاودانه رسیده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

الف. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با عنوان «الگوی جامعه سعادت‌مند اسلامی: واکاوی نظام‌مند شاخص‌های عدالت و معنویت در پرتو نصوص دینی»، با روش توصیفی-تحلیلی و با تمرکز بر منابع اصیل اسلامی (قرآن و روایات)، به تحلیل مؤلفه‌های بنیادین جامعه مطلوب پرداخت. یافته‌های این تحقیق، فرضیه اصلی مبنی بر اینکه سعادت‌مندی جامعه اسلامی در گرو تلفیق نظام‌مند شاخص‌های عدالت و معنویت است، را تأیید نمود.

این الگوی پنج‌گانه، که اجزای آن به صورت متقابل یکدیگر را تقویت می‌کنند، عبارتند از:

- برقراری عدالت: به عنوان شالوده هستی‌شناختی و هدف اصلی رسالت انبیاء (هدف غایی اجتماع).
- پرداخت و دریافت زکات: به عنوان سازوکار عملی و مالی عدالت و عامل تزکیه و رشد اقتصادی.
- صراحت و صداقت: به عنوان سرمایه اجتماعی، ضامن اعتماد عمومی و معیار حیات طیبه.
- ایثار و از خودگذشتگی: به عنوان اوج کمال معنوی و عامل ریشه‌کن شدن بخل و حسد.
- اتحاد و هماهنگی: به عنوان ضامن بقاء، عامل اقتدار و نیروی محرکه‌ای که تمام اجزای نظام را هم‌سو می‌سازد.

اجرای این شاخص‌ها، جامعه را از یک موجودیت صرفاً حقوقی به یک «نظام حیات‌بخش» تبدیل می‌کند که در آن، بُعد اخلاقی و بُعد اجتماعی در هم تنیده می‌شوند. در چنین جامعه‌ای، نه تنها حقوق مالی و قضایی افراد تضمین می‌شود، بلکه به دلیل وحدت قلوب (ناشی از ایثار) و شفافیت (ناشی از صداقت)، زمینه قوی برای پیشرفت‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی و از همه مهم‌تر معنوی فراهم می‌آید. این جامعه، از تزلزل‌های ناشی از تفرقه و نفاق در امان بوده و به مقام عزت و اقتدار الهی دست می‌یابد.

ب. پیشنهادهای کاربردی

با توجه به نتایج به دست آمده، پیشنهادهای زیر برای سیاست‌گذاران، نهادهای فرهنگی و پژوهشگران ارائه می‌گردد:

- توجه به «معنویت کاربردی» در سیاست‌گذاری‌ها: نهادهای اجرایی نباید زکات، صداقت و ایثار را صرفاً به عنوان توصیه‌های اخلاقی در نظر بگیرند، بلکه باید سازوکارهای اجرایی و تقویتی برای تبدیل آن‌ها به

- هنجارهای غالب اجتماعی فراهم آورند (مانند نهادینه کردن ایتار در نظام‌های حمایتی).
- لزوم ایجاد نظام شفافیت حکومتی: تأکید نصوص دینی بر صداقت و صراحت (شفافیت)، ضرورت اجرای کامل شفافیت در نهادهای مالی و حکومتی را روشن می‌سازد تا اعتماد عمومی که زیربنای اتحاد است، حفظ و تقویت گردد.
 - توسعه مباحث پژوهشی: پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آتی، به صورت تطبیقی، به بررسی تأثیر تقابل شاخص‌ها بپردازند؛ مثلاً بررسی کنند که در صورت ضعف یکی از شاخص‌ها (مثل ضعف صداقت)، چه میزان از شاخص دیگر (مثل عدالت یا اتحاد) تخریب می‌شود.
 - ارائه الگوی تربیتی: نظام آموزشی و تربیتی باید این پنج مؤلفه را در قالب یک «برنامه درسی و تربیتی واحد» ارائه دهد تا نسل‌های آینده، جامعه سعادت‌مند را نه در یک فضای آرمانی مجرد، بلکه در یک الگوی کاربردی و منسجم بشناسند.

فهرست منابع و مآخذ

۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲. حسینی شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. قم: مؤسسه هجرت.
۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۳). الخصال. تهران: انتشارات ارمغان طوبی.
۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱-۲۰). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۴). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالمعرفه.
۶. طوسی، محمد بن علی (۱۴۱۴ق). الأمالی. قم: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۶. عسکری، حسن بن عبدالله (۱۳۹۰). الفروق اللغویه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۷. فخر رازی، محمد بن عمر بن حسین (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب) (ج ۱-۳۲). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۹. کراجکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق). کنز الفوائد. قم: دار الذخائر للمطبوعات.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ج ۱-۱۱۰). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

۱۲. محدث نوری، حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (ج ۱-۱۹). قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

۱۳. مطهری، مرتضی (بی تا). عدل الهی. قم: انتشارات صدرا.